



بازتاب ارکان ایدئولوژیک گفتمان عصر صفوی در ۹ کتیبه فارسی شاخص حرم مطهر رضوی

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷

علی صادقی حسن آبادی^۱ ابوالفضل حسن آبادی^۲

چکیده

حرم مطهر امام رضا (ع) با قدمتی هزار و دویست ساله گنجینه‌ای بی نظیر بوده که صرف نظر از جنبه‌های دینی و معنوی، از جنبه‌های علمی، تاریخی، ادبی و هنری ویژه‌ای برخوردار است. در این مجموعه که در دوره‌های تاریخی مختلف توسعه یافته و با کتیبه‌های هنری و زبانی متنوع و متعددی تزیین شده، اطلاعات ارزشمندی آمده که هر پژوهشگری را به شگفتی وامی‌دارد. در این پژوهش که برشی از طرح پژوهشی کلان‌تر با عنوان «گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل محتوایی کتیبه‌های فارسی حرم مطهر امام رضا (ع)» است، بر ۹ کتیبه فارسی منظوم و منشور شاخص صفوی در حرم رضوی متمرکز است. اطلاعات به دست آمده، کیفیت مواجهه حاکمان صفوی با ابیات و عبارات فارسی کاربردی در حرم مطهر و کیفیت تأثیرپذیری این ابیات و عبارات از اندیشه‌های ایدئولوژیک بازتابی در منشور تبلیغاتی صفویان یا نسخه‌های سلطنتی کتاب صفوة الصفاي ابن بزاز اردبیلی را نشان می‌دهد. در این پژوهش ابتدا از طریق مشاهدات میدانی، پیمایش‌های محیطی و منابع کتابخانه‌ای کتیبه‌های فارسی صفوی شناسایی و ۹ کتیبه شاخص این دوران بر اساس تاریخ کتابت یا ماده تاریخ گزینش شده و محتوای «تاریخی» و «ایدئولوژیک» آن‌ها تحلیل شده‌اند؛ بنابراین تحلیل‌های صورت گرفته میزان تأثیرپذیری کتیبه‌های صفوی حرم رضوی از ارکان ایدئولوژیک تبلیغی صفویان در نسخه‌های سلطنتی کتاب صفوة الصفا شامل: «سیادت طلبی»، «تشیع‌گرایی»، «سلطنت طلبی صوفیانه»، «ایران‌گرایی» و «اخلاق‌گرایی» نمایان است. کتیبه‌های فارسی حرم رضوی به‌خوبی کیفیت بازنشر این ارکان تا دوران شاه صفی و کمرنگ شدن آن‌ها در دوران شاه سلیمان و فراهم شدن اقدامات زمینه‌ای برای فروپاشی صفویان را در دوران شاه سلطان حسین نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: حرم رضوی، دوره صفوی، کتیبه‌های فارسی، نسخه سلطنتی صفوة الصفا، ارکان ایدئولوژیک گفتمان صفوی.

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
Ainsad3537@gmail.com (نویسنده مسئول):

۲. دکترای تاریخ محلی، دانشگاه اصفهان و رئیس مرکز ترجمان معارف اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ایران:
ahassanabadi1@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

صفویان که خود را فرزندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، صوفی سنی مذهب قرن هفتم (۶۵۰-۷۳۵ق)، می‌دانستند، بعد از رحلت شیخ صفی‌الدین رفته‌رفته اقدامات شیعه‌گرایانه و سلطنت‌طلبانه طریقت صفوی را دنبال کردند و این اقدامات را به صورت تدریجی در نسخه‌های طریقتی *صفوة الصفا* وارد کردند. رهبران طریقت صفوی (شیخ صدرالدین موسی، شیخ ابراهیم، سلطان علی سیاه‌پوش، سلطان جنید و سلطان حیدر) که خود از فرزندان شیخ صفی‌الدین بودند و پیشرفت‌شان را در همان «سال‌های نخست مدیون مقبولیت تصوّف در جامعه آن روزگار بود[ند]» (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۹)، اقدامات «سیادت‌طلبانه»، «تشیع‌گرایانه»، «سلطنت‌طلبی صوفیانه» و «ایران‌گرایانه» خود را به تدریج در نسخه‌های طریقتی *صفوة الصفا* وارد کردند. از این میان سلطان جنید و سلطان حیدر بیشترین نقش را در شکل‌گیری طریقت سیاسی صوفیانه ایفا کردند (مایل هروی، ۱۳۷۶: ۳۳) و با استفاده از ظرفیت شیعیان غالی آسیای صغیر به‌ویژه ترکان آناتولی که «شیخ جنید و جانشینانش را به چشم پیغمبر صلی الله علیه و آله یا حضرت مهدی موعود علیه السلام و یا حتی خدا می‌دانستند» (سومر، ۱۳۷۱: ۱۳) زمینه را برای ایجاد حکومت سیاسی صوفیانه در دوران شاه اسماعیل صفوی فراهم کردند.

شاه اسماعیل صفوی نیز که فرزند و نواده شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود، در امتداد اقدامات شیعه‌گرایانه و سلطنت‌طلبانه رهبران طریقت صفوی «با تکیه بر بیش از دویست سال نفوذ خاندانی و داشتن هواداران بی‌شمار در عثمانی و ایران که سال‌ها فرهنگ شیعی را ولو در شکل غالی آن پذیرفته بودند، کار را آغاز کرد و پیروز شد» (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۰) و در نهایت در قامت صوفی دوازده امامی به تسخیر سرزمین ایران پرداخت و حکومت صفویه را پایه‌گذاری کرد. وی دین اسلام و مذهب تشیع دوازده امامی را به عنوان دین و مذهب رسمی دربار صفوی اعلام کرد. وی در «اوایل جلوس امر کرد که خطبای ممالک خطبه ائمه اثنا عشر، علیهم صلوات الله الملك الأكبر، خوانند. «أشهد أن علیاً

ولئى الله» و «حیّ علی خیر العمل» که از آمدن سلطان طغرل ... از بلاد اسلام برطرف شده بود، با اذان ضمّ کرده بگویند و فرمان همایون شرف نفاذ یافت که در اسواق زبان به طعن و لعن أبابکر و عمر و عثمان بکشایند و هرکس خلاف کند، سرش از تن بیندازند» (روملو، ۱۳۵۷: ۸۵ و ۸۶).

پس از شاه اسماعیل فرزندش، شاه طهماسب به حکومت رسید و به «تبدیل دین و آیین جدّ خود، شیخ صفی الدین اردبیلی، از تسنّن به تشیّع دوازده امامی» پرداخت (کسروی، ۱۳۰۶: ۲۶) و میرابوالفتح حسینی را به «اصلاح و تنقیح» نسخه‌های صفوة/الصفا از تسنّن به تشیّع اثناعشر و «جدا گردانیدن حقّ و باطل از همدیگر» (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۲۴۱) برای به دست دادن نسخه جامع شیعی از آن و تبدیل به منشور تبلیغاتی دستگاه صفوی امر کرد (صادقی حسن آبادی، ۱۴۰۳). میرابوالفتح نیز به اصلاح و تنقیح نسخه‌های طریقتی صفوة/الصفا پرداخت و نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفا را که دربردارنده تمام و کمال ارکان اندیشگانی و ایدئولوژیک دستگاه صفوی شامل «سیادت طلبی»، «تشیّع گرایى»، «سلطنت طلبی صوفیانه»، «ایران گرایی» و «اخلاق گرایی» بود، پدید آورد. از این رو حاکمان بعدی صفوی با تکیه بر این ارکان و تبلیغ و گسترش روزافزون آن‌ها در مراسلات، مکاتبات، مراودات و منازعات‌شان حکومت خود را پیش بردند. این ارکان هویت‌ساز صفوی به کرات در مکاتبات صفوی گسترش یافت تا جایی که در کتیبه‌های منظوم و منشور صفوی حرم مطهر نیز راه یافت. کتیبه‌های فارسی و عربی صفوی در حرم رضوی نیز به‌خوبی کیفیت تبلیغی انتشاری این ارکان ایدئولوژیک صفوی را در فضاهاى فیزیکی حرم مطهر و کیفیت پیوند آن‌ها را با مباحث تاریخی اعمّ از تاریخ حاکمان صفوی و تاریخ تغییرات و پیشامدهای حرم رضوی نشان می‌دهد.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

در این پژوهش تلاش شده است ضمن گردآوری و دسته‌بندی تعدادی از کتیبه‌های فارسی منظوم و منشور صفوی در حرم رضوی، با تمرکز بر ارکان اندیشگانی بازتابی در نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفا، کیفیت تأثیرپذیری و بازنشر این ارکان ایدئولوژیک در

ابیات و عبارات فارسی ۹ کتیبه شاخص حرم رضوی این دوران تشریح شود.

این پژوهش قصد دارد با بهره‌گیری از تحلیل‌های چهارگانه شامل: «تحلیل‌های گونه‌شناسی»، «تحلیل‌های وزنی و قافیه‌ای»، «تحلیل‌های تاریخی» و «تحلیل‌های ایدئولوژیک»، وضعیت محتوایی ابیات و عبارات رضوی دوره صفوی را مشخص و نسبت آن‌ها با ارکان و مناسبات تاریخی و ایدئولوژیک این دولت را تعیین کند تا کیفیت بازنمایی این مناسبات در کتیبه‌های فارسی حرم رضوی را تشریح کند.

۱-۳. پیشینه پژوهش

این پژوهش که دنباله رساله دکتری نگارنده با عنوان «بررسی سیر تطوّر ایدئولوژیک نسخه‌های طریقتی و سلطنتی صفوة الصفا و مخاطب‌شناسی آن» (صادقی حسن آبادی، ۱۴۰۴) است، برشی از طرح پژوهشی کلان‌تر «گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل محتوایی کتیبه‌های فارسی حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) در دوره‌های تاریخی مختلف» (همان) است که اختصاصاً به «گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل محتوایی ۹ کتیبه فارسی شاخص صفوی در حرم رضوی» پرداخته است. وجه تفوّق این پژوهش بر سایر پژوهش‌ها عبارت است از: تمرکز بر کتیبه‌های منظوم و فارسی دوره صفوی، گردآوری و دسته‌بندی آن‌ها براساس تاریخ کتابت و ماده تاریخ‌شان، تحلیل تاریخی و ایدئولوژیک آن‌ها بر اساس شرایط تاریخی و مقتضیات ایدئولوژیک صفوی.

هرچند پژوهش‌های متنوع و متعدّدی در قالب‌های کتاب، پایان‌نامه، رساله، مقاله و سایت‌نوشت درباره وضعیت کتیبه‌های فارسی و عربی فضاها و فیزیکی مختلف نوشته شده است؛ اما هیچ کدام از آن‌ها به تجمیع و تفکیک کتیبه‌ها به تفکیک دوره‌های تاریخی و تحلیل آن‌ها بر اساس مباحث تاریخی و ایدئولوژیکی صفوی نپرداخته‌اند و بیشتر آن‌ها به گردآوری کتیبه‌ها براساس مکان جغرافیایی‌شان در حرم مطهر بسنده کرده و به هیچ وجه به تحلیل کتیبه‌ها نپرداخته‌اند. نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

کتاب مطلع الشمس نوشته اعتماد السلطنه (۱۳۰۱ق)؛ این کتاب از نظر تجميع مجموع کتیبه‌های فارسی و عربی بی نظیر است؛ اما کتیبه‌های دوره‌های تاریخی مختلف را تفکیک نکرده و به صورت درهم آورده است؛ به گونه‌ای که تشخیص دوره واقعی کتیبه‌های فاقد تاریخ کتابت و ماده تاریخ بسیار دشوار است. همچنین این کتاب فاقد تحلیل‌های تاریخی و ایدئولوژیک کتیبه‌های منظوم و منثور فارسی و عربی است.

کتاب «شاهکارهای هنری آستان قدس رضوی (کتیبه‌های مسجد گوهرشاد)» از صحراگرد (۱۳۹۲)، کتاب «شاهکارهای هنری آستان قدس رضوی (کتیبه‌های صحن انقلاب / عتیق)» نوشته صحراگرد (۱۳۹۵) و کتاب «شاهکارهای هنری آستان قدس رضوی (کتیبه‌های صحن آزادی / جدید)» از صحراگرد (۱۳۹۶)؛ این کتاب‌ها در زمینه پوشش تمامی کتیبه‌ها به انضمام تصاویر آن‌ها بی نظیر است. این کتاب‌ها با وجود تجميع تمامی کتیبه‌های شعری و هنری مکان‌های محل پژوهش و تحلیل‌های شناسنامه‌ای و هنری آن‌ها از نظر نپرداختن به تحلیل‌های ایدئولوژیک کتیبه‌ها و ضرورت بی‌توجهی وی به تجميع آماری اشعار هر دوره به خاطر متمرکز شدن بر مکان مورد پژوهش، تمایز آشکاری با این پژوهش دارد.

کتاب دایرة المعارف آستان قدس رضوی نوشته نمایی و همکاران (۱۳۹۳) که در دو جلد به کمک کارگروه‌های مختلف علمی فراهم آمده نیز از کارهای ارزنده و قابل تحسین است؛ اما این کتاب نیز با وجود جنبه تجميعی و دایرة المعارفی از فضاها و اشیای مختلف حرم مطهر، به خاطر پوشش ندادن تمامی کتیبه‌های منظوم و منثور عربی و فارسی، محققان را از مشاهدات میدانی، پیمایش‌های محیطی و مطالعات کتابخانه‌ای بی‌نیاز نمی‌سازد. علاوه بر اینکه تحلیل‌های این کتاب بیشتر ناظر بر فضاها و مختلف حرم رضوی بوده و فاقد تحلیل‌های ایدئولوژیک کتیبه‌های عربی و فارسی است.

رساله دکتری نگارنده با عنوان «بررسی سیر تطوّر ایدئولوژیک نسخه‌های طریقتی و سلطنتی صفوة الصفا و مخاطب‌شناسی آن» (صادقی حسن آبادی، ۱۴۰۴) در فصل اول

این رساله که با راهنمایی دکتر محمود فتوحی رودمجنی و مشاوره دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد انجام شده، بر اساس تغییرات راه یافته در نسخه‌های طریقتی و سلطنتی صفوة/الصفا، ارکان ایدئولوژیک دستگاه صفوی در چهار حوزه «کلام اسلامی»، «فقه اسلامی»، «عرفان اسلامی» و «اخلاق اسلامی» شناسایی و قلمروهای «سیادت طلبی»، «تشیع گرایی»، «سلطنت طلبی صوفیانه»، «عرفان گرایی»، «ایران گرایی» و «اخلاق گرایی» از آن استخراج شده است.

۲. مبانی نظری

تاکنون تعاریف متعدّد و متنوعی از اصطلاح ایدئولوژی صورت گرفته؛ اما در این پژوهش منظور از ایدئولوژی «اندیشه‌هایی است که به مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی مسلط یاری می‌رساند» (ایگلتن، ۱۳۸۱: ۲۰) یا به عبارت بهتر «نظامی از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و جهان بینی‌ها که نگرش‌های اجتماعی- سیاسی و اعمال یک گروه، یک طبقه اجتماعی یا جامعه را در حکم یک کل، هدایت می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴۸) است؛ بنابراین صفویان از ظرفیت‌های دینی و معنوی مذهب تشیع برای غنی‌سازی و مشروع‌سازی حکومت خود استفاده کردند و البته باعث گسترش قلمرو جغرافیایی تشیع گستره دامنه شیعیان دوازده امامی گردیدند؛ اما از آن جا که صفویان از قدرت بالفعل تشیع در جامعه ایرانی قرن دهم برای رسیدن به رأس هرم قدرت سیاسی استفاده کردند و نحوه حاکمیت صفوی با حاکمیت علوی فاصله داشت، این ارکان با عنوان «ارکان ایدئولوژیک دستگاه صفوی» نام گرفتند.^۱

۲-۱. وضعیت کتیبه‌های فارسی حرم رضوی در دوره صفوی

بر اساس مشاهدات میدانی، پایش‌های محیطی و منابع کتابخانه‌ای می‌توان گفت تعداد کتیبه‌های فارسی منظوم و منشور حرم رضوی در این دوره دست کم ۱۲ کتیبه است که در این کتیبه ۹ کتیبه شاخص حاکمان مختلف صفوی شناسایی و تحلیل شده

۱. برای کسب اطلاعات دقیق‌تر از این مفهوم و درک بهتر تفاوت حکومت ایدئولوژیک صفوی با حکومت غیرایدئولوژیک علوی به کتاب تشیع علوی، تشیع صفوی دکتر علی شریعتی مراجعه فرمایید.

است. این ۹ کتیبه شامل: یک کتیبه منظوم در قالب رباعی، سه کتیبه منظوم در قالب قطعه، یک کتیبه ترقیمی منظوم شامل دو تکبیت ترقیمی و چهار کتیبه ترقیمی منثور فارسی و عربی است. در جدول ۱ مشخصات شناسنامه‌ای این کتیبه‌ها دسته‌بندی شده است.

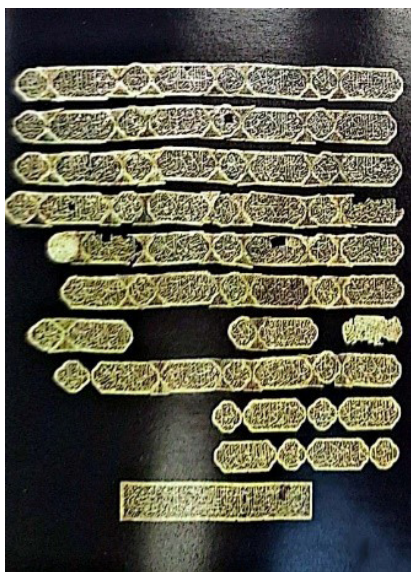
جدول ۱: مشخصات شناسنامه‌ای کتیبه‌های منظوم و منثور صفوی								
عبارات آغازین شعری یا نثر	شاعر / نویسنده	قالب شعری	محل نصب کتیبه	دوره تاریخی	تاریخ کتابت به حساب ایجاد / رقم کتیبه	نوع کتیبه	منبع	ارجاع
به توفیق الهی و تأییدات حضرت.	ناشناس	نثر مرسل و ساده	ضریح مطهر شاه طهماسبی	دوران شاه طهماسب	۹۵۷ق	مذهبی - احادیثی	دایره المعارف آستان قدس رضوی	نمایی و دیگران، ۳۴/۲: ۱۳۹۳
چهریل ز عرش آمد و حورا ز نعیم	حسن الخادم	رباعی	صفه مهر پابین پای مبارک روضه منوره	دوران شاه طهماسب	ماده تاریخ و رقم یافت نشد.	مذهبی	مطلع الشمس	اعتماد السلطنه، ۱۰۶/۲: ۱۳۰۱ق
خوش بنایی است این بنا که زند.	ناشناس	قطعه	صفه‌ای که به دارالضیافه رود.	دوران شاه صفی	ماده تاریخ ۱۰۲۱ق	مذهبی - احادیثی	مطلع الشمس	اعتماد السلطنه، ۱۰۶/۲: ۱۳۰۱ق
سنگ قبر شیخ بهایی	ناشناس	نثر و نظم فارسی و عربی	رواق شیخ بهایی	دوران شاه عباس اول	۱۰۳۱ق	مذهبی - احادیثی	مطلع الشمس	اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ق: ۱۸۹۲

جدول ۱: مشخصات شناسنامه‌ای کتیبه‌های منظوم و منثور صفوی								
عبارات آغازین شعر یا نثر	شاعر / نویسنده	قالب شعری	محل نصب کتیبه	دوره تاریخی	تاریخ کتابت به حساب ابجد / رقم کتیبه	نوع کتیبه	منبع	ارجاع
در زمان شهنشه دوران... در زمان شهنشه دوران...	ناشناس	قطعه	درب ورودی ایوان قناره‌خانه	دوران شاه صفی	۱۰۴۴ ق	منه‌بی - احداثیه	مطلع الشمس ۱۳۳۲	اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ ق.
امر بتجدید هذا الباب المبارک...	محمدرضا امینی	نثر عربی و فارسی	سردر ایوان ساعت صحن عتیق / انقلاب اسلامی	دوران شاه عباس دوم	۱۰۶۰ ق	منه‌بی - احداثیه	شاهکارهای هنری در آستان قفس رضوی کتیبه‌های صحن انقلاب	صحراگرد، ۱۳۹۵: ۱۵۷
ذره خاکسار علی قبادیک...	احتمالاً محمدرحیم شهبیدی	نثر فارسی	پایه‌های ایوان قناره‌خانه صحن عتیق / انقلاب اسلامی	شاه عباس دوم	۱۰۶۰ ق	منه‌بی - احداثیه	شاهکارهای هنری در آستان قفس رضوی کتیبه‌های صحن انقلاب عتیق	صحراگرد، ۱۳۹۵: ۱۸۲
سلیمان زمان چشم و چراغ دوده شاهان...	ناشناس	قطعه	بالای در طلای ورودی رواق دارالسیاده به رواق دارالحفاظ	شاه سلیمان صفوی	۱۰۸۶ ق	منه‌بی - احداثیه	مطلع الشمس ۹۷ و ۹۶۳	اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ ق.
که باشد زرگر این قبه خضرای نوائی...	محمدرضا امینی	تک‌بیت	ساقه گنبد حرم مطهر صحن عتیق / انقلاب اسلامی	شاه سلیمان صفوی	۱۰۸۶ ق	منه‌بی - احداثیه	شاهکارهای هنری در آستان قفس رضوی کتیبه‌های صحن انقلاب عتیق	صحراگرد، ۱۳۹۵: ۹۹

۲-۲. تحلیل‌های چهارگانه کتیبه‌های فارسی حرم مطهر رضوی در دوران صفوی

با وجود اینکه در سنت کتیبه‌نگاری رضوی این دوران از شاعران و نویسندگان مختلف استفاده شده است، تحلیل‌های سبک‌شناسی لایه‌های شامل لایه‌های آوایی، زبانی و ادبی که بیشتر برای تشخیص سبک شخصی شاعران و نویسندگان به کار می‌رود، برای شناخت وضعیّت ادبی این دوران مفید فایده نیست و تحلیل‌های چهارگانه گونه‌شناسی، عروضی، تاریخی و ایدئولوژیکی جایگزین تحلیل‌های سبک‌شناسی شده است. از این‌رو نسبت کتیبه‌های حرم رضوی این عصر با گفتمان صفوی و عناصر ایدئولوژیک بازتابی این گفتمان در منشور تبلیغاتی صفویان، نسخه‌های سلطنتی کتاب صفوة الصّفای ابن بزاز اردبیلی، سنجیده و وضعیّت تاریخی و ایدئولوژیکی کتیبه‌های رضوی در این عصر شناسایی می‌شود.

۲-۲-۱. کتیبه‌های منشور فارسی ضریح شاه طهماسبی



«به توفیق الهی و تأییدات حضرت رسالت‌پناهی و ائمه معصومین، صلوات الله علیهم أجمعین، طهماسب بن اسمعیل الحسینی الصفوی به وضع این محجر طلا در موضع عرش اعتلا موفّق و مؤید گردید سنه ۹۵۷ق» (نمایی و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۴۸). عطاردی نیز در کتاب تاریخ آستان قدس رضوی کتیبه ترقیمی ضریح شاه طهماسبی را ذکر کرده که به نثر مرسل و ساده است: «در عهد سلطنت بنده شاه ولایت طهماسب صفوی این محجر مبارک در این مکان مقدّس

نصب گردید سنه ۹۵۷ق» (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۷۶). از آنجا که اعتمادالسلطنه توضیح شاخصی درباره ضریح شاه طهماسبی و کتیبه‌های آن ارائه نداده است و تنها به عبارت

«مرقد مطهر را سه ضریح است؛ اولی از فولاد می باشد و به هیچ وجه کتیبه و تاریخ ندارد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ ق، ج ۲: ۱۲۵) بسنده کرده، متن کتیبه فارسی این ضریح به دو صورت بالا ذکر شده است.

از نظر قلمرو گونه شناسی باید گفت که این کتیبه در دسته کتیبه های ترقیمی منشور قرار دارد که متن هر دو کتیبه از لحاظ ساختاری با هم متفاوت است؛ به گونه ای که کتیبه اول و دوم به ترتیب به نثرهای فنی و مرسل نوشته شده اند.

از نظر قلمرو تاریخی نیز هر دو کتیبه به تاریخ ساخت و نصب ضریح مطهر بر قبر منور حضرت رضا (علیه السلام) در سال ۹۵۷ ق. اشاره دارند. از نظر قلمرو ایدئولوژیک نیز این دو کتیبه به صراحت بر «تشیع گرایی» و «سیادت طلبی» حاکمان صفوی تأکید کرده است. با این تفاوت که در کتیبه اول این پیوند با غلظت بسیار بالایی صورت گرفته؛ در حالی که در کتیبه دوم با غلظت کمتری ظهور و بروز یافته است. از آنجا که در نسخه های سلطنتی صفوة الصفا سیادت صفویان از طریق شیخ صفی الدین به امام کاظم (علیه السلام) رسیده و با ذکر سلسله النسب امامان معصوم (علیهم السلام) به امام حسین (علیه السلام) رسیده و از ایشان به امام علی (علیه السلام) ختم شده، سیادت شیخ صفی الدین به عنوان سیادت حسینی معرفی شده است (فتوحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱). از این رو در کتیبه اول شاه طهماسب صفوی با تأکید بر توفیق و تأیید خداوند و ائمه معصومین (علیهم السلام) به شیخ صفی الدین اردبیلی انتساب یافته و بر سیادت حسینی وی تأکید شده و مشروعیت سیاسی وی به عنوان فرزند امام حسین (علیه السلام) و جانشین شایسته امام عصر (علیه السلام) در عصر غیبت دانسته شده است. در کتیبه دوم نیز با پیوند «سلطنت» با «شاه ولایت» و «بنده شاه ولایت خواندن شاه طهماسب» بر این دو رکن تأکید شده است. به همین دلیل در دو کتیبه شاهد پیوند وثیق «سلطنت ایرانی» و «فره ایزدی» با «تشیع اثنا عشری» (سیوری، ۱۳۸۹: ۲۶) یا «سلطنت ایرانی» با «امامت اسلامی» (شریعتی: ۱۳۱) و «فره ایزدی» با «نور محمدی» هستیم (همان: ۱۴۲).

۲-۲-۲. کتیبه منظوم قه ورودی پایین پای مبارک روضه منوره

جبرئیل ز عرش آمد و حورا ز نعیم
از بهر طواف شه فردوس حریم
عمدا پر خود بر دم مقراض دهند
شاید که بدین وسیله گردند مقیم

(اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ق، ج ۲: ۱۰۶)



از نظر قلمرو گونه‌شناسی باید گفت که این شعر نیز در قالب «رباعی» سروده شده و وزن عروضی اول «مفعول مفاعیل مفاعیل فَعَل» با اسم عروضی «هزج مثنیٰ آخر مکفوف مجبوب» است که دکتر شمیسا آن را در شماره بیست و نهم «فهرست اوزان رایج» فهرست کرده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵). وزن عروضی دیگر آن «مستفعل مستفعل مستفعل مُس» یا «رجز مسدّس...» است که دکتر شمیسا در شماره چهارم از فهرست «اوزان مختلف الأركان» و در زیرگروه وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فَعَل آورده است (همان: ۲۸).

این رباعی که با مصراع «جبریل ز عرش آمد و حورا ز نعیم» آغاز شده، آن قدر استوار و سخته است و با سوز و گداز عاشقانه عارفانه سروده شده که هر متفکری را از تحلیل‌های قلمرو تاریخی و ایدئولوژیک دور نگه می‌دارد و وی را بر رویکردهای عرفانی و قدسی متمرکز می‌کند؛ در حالی که این رباعی نیز چون اشعار پیشین مبتنی بر ایدئولوژی صفوی و کاملاً با رویکردهای عرفان‌گرایانه رهبران طریقت صفوی و حاکمان صفوی همگام است؛ چرا که رهبران طریقت صفوی (شیخ صدرالدین، شیخ ابراهیم، سلطان

علی، سلطان جنید، سلطان حیدر) و حاکمان صفوی (شاه اسماعیل و شاه طهماسب) با پیروی از عرفان جدّ بزرگوارشان، شیخ صفی الدّین اردبیلی، طریقت عرفانی صفوی را دنبال کردند و در ادامه آن را به «نهضت سیاسی صوفیانه» تبدیل کردند؛ تا جایی که مایل هروی آن را تبدیل «طریقت خانقاهی» به «سلسله سیاسی» خوانده است (مایل هروی، ۱۳۷۶: ۳۲).

در این رباعی به زیبایی هرچه تمام‌تر به تکریم و تقدیس یک مقام والا که همان حضرت رضا (علیه السلام) و مرقد مطهر ایشان بوده، پرداخته شده است؛ هرچند در این رباعی هیچ اشاره‌ای به نام و نشان امام رضا (علیه السلام) و مرقد مطهر ایشان و شهر مشهد مقدّس نشده است؛ اما مضمون بلند و عمیق عرفانی آن و نصب این کتیبه در حرم رضوی بیانگر این است که مخاطب حقیقی این ابیات بلندبالا حضرت رضا (علیه السلام)، مرقد منور ایشان و شهر مشهد مقدّس است.

هرچند اعتماد السّلطنه درباره صحت انتساب این رباعی به شاه عباس اول سکوت کرده (اعتماد السّلطنه، ۱۳۰۱ق، ج ۲: ۱۰۶)؛ اما کاپانیان با ذکر داستان خادم‌باشی شاه عباس، این رباعی را به پاسخ شاه عباس به رباعی بداهه شیخ بهائی حواله کرده (کاپانیان، ۱۳۵۴: ۲۱۳) و نمایی و دیگران به اشتباه، رباعی حکّ شده بر این فضا را رباعی شاه عباس دانسته‌اند؛ در حالی که نگارنده رباعی مذکور را به دلیل تفاوت در مصراع‌های اول و دوم با رباعی شاه عباس، رباعی اقتباسی حسن الخادم از رباعی شاه عباس دانسته است. حسن الخادم در این شعر با استفاده از عناصر آسمانی مانند «جبرئیل» و «عرش» و پدیده‌های بهشتی مانند «حورا» و «فردوس» رویکردهای عرفانی و قدسی خود را در مدح این امام همام بیان کرده است. همچنین اشاره به حضور فرشتگان و «عمدا بستن مقراض به پریشان» نیز می‌تواند بیانگر مفاهیم ناتوانی و حیرت فرشتگان از درک مقام شامخ امام معصوم (علیه السلام) و اشاره‌ای نمادین به مضامین ایشار و فنای ایشان در مسیر قرب إله باشد. از این‌رو در این شعر نغز و پرمحتوا، بر مقام شامخ امام معصوم (علیه السلام) و شأن و مرتبه مرقد منور ایشان اشاره و بر مفهوم طواف موجودات آسمانی و ماورایی گرداگرد این حریم مقدّس تأکید شده است.

از این‌رو از منظر تحلیل‌های قلمرو ایدئولوژیک نیز این رباعی بر مضامین دینی معنوی، عرفانی الهیاتی و اخلاقی استوار است و حرم رضوی به‌عنوان یک مرکز عبادی که محلّ آمدوشد موجودات آسمانی برای طواف و آستان‌بوسی بوده، تبلیغ شده است. همچنین کاربرد اصطلاحات و مضامین عرفانی مانند «قرب»، «فناي در خود» و «بقای بالله» و پیوند آن‌ها با مضامین دینی «جبرئیل»، «عرش»، «طواف» و «مقیم»، بیانگر تلفیق عرفان، مذهب و اخلاق به‌ویژه مذهب تشیع و پدید آوردن تفکر عرفانی الهیاتی و عرفانی شیعی است؛ بنابراین این رباعی نیز با ارکان ایدئولوژیک صفوی شامل «تشیع‌گرایی»، «عرفان‌طلبی» و «اخلاق‌گرایی» سازگار آمده است.

۲-۲-۳. کتیبه منظوم فیه ورودی دارالصیافه

خوش بنایی است این بنا که زند	فرش او تکیه بر فراز فلک
تا کند رفعتش نظر بنهاد	از مه و مهر نه فلک عینک
چون بود در جوار روضه شاه	خردم گفت کامده بی شک
سال تاریخ این خجسته مقام	کعبه خلق و سجده گاه ملک

(اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ق، ج ۲: ۱۰۶)

از نظر قلمرو گونه‌شناسی این شعر در قالب قطعه و بر وزن عروضی «فاعلاثن مفاعِلن فَعْلُن» با اسم عروضی «رَمَل مُسَدّس محذوف» سرده شده که دکتر شمیسا این وزن عروضی را در فهرست اوزان عروضی کتاب عروض و قافیه خود فهرست نکرده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۸). در کتاب *دایرةالمعارف آستان قدس* این شعر به شاه عباس صفوی نسبت داده شده که در جواب رباعی شیخ بهایی سروده است؛ در حالی که این شعر بر دیوار حرم مطهر با عبارت «قائله و راقمه» به حسن الخادم خوش‌نویس عصر صفوی نسبت داده شده است (نمایی و همکاران، ۱۳۹۹، ج ۲: ۳۹۸).

از نظر قلمرو تاریخی باید گفت که این قطعه کوتاه که با مصراع «خوش بنایی است این بنا که زند» آغاز شده و در ازاره صفه ورودی گنبد الله‌وردی خان به رواق دارالصیافه نصب بوده، به‌تلییح به ماجرای تاریخی ساخت رواق الله‌وردی خان در دوره صفوی و در

سال ۱۰۲۱ ق. اشاره می‌کند (ایزائلوو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۲). سراینده در این قطعه با کاربرد تعبیر «خوش‌بنایی» است در مصراع اول، بر اهمیت در جوار روضه شاه بودن این رواق تأکید می‌کند؛ از این‌رو در مصراع دوم فرش این رواق را به خاطر این هم‌جواری، تکیه زده بر فراز فلک توصیف کرده است. در مصراع چهارم نیز با کاربرد عناصر و اجرام آسمانی و تعبیر «مه و مهر و نه فلک عینک» بر مقام شامخ و والای این بنای رفیع و عینک زدن فلک از ماه و خورشید برای دیدن چنین بنای رفیعی تأکید کرده است. همچنین در بیت پایانی نیز با آوردن بیت ماده تاریخ، تاریخ ساخت این بنای رفیع را به شعر پیوند می‌زند تا بنای جاودانی و ماندگاری آن را در تاریخ جا بزند.

نکته قابل ملاحظه این است که با توجه به اینکه این بنا که در سال ۱۰۲۱ ق. و دوران حکومت شاه عباس اول ساخته شده، در این قطعه کوتاه دارای ماده تاریخ، سخنی از شاه عباس اول به میان نیامده است. در حالی که وضعیّت یاد نکردن شاه عباس در این کتیبه که در همان سال ساخت رواق تهیّه و نصب شده است، با وضعیّت کتیبه‌های فارسی و عربی صفوی مزین به نام‌های حاکمان صفوی سازگار نیست. از آن‌جا که شمار ابیات این کتیبه در کتاب مطلع الشمس نیز همین چهار بیت است، فرضیه دستکاری کتیبه در دوره‌های بعد یا تغییر و حذف نام شاه عباس نیز منتفی به نظر می‌رسد. تنها حدس تقویت شده این است که تا این زمان شاه عباس سرایندگان را از ذکر کردن نامش در کتیبه‌های رضوی منع کرده باشد؛ چراکه در کتیبه عربی ایوان مقصوره نیز با تاریخ کتابت ۱۰۰۸ ق. نام شاه عباس نیامده و در تنها بیت ماده تاریخ که به فارسی سروده شده، نام معمار و سال تعمیر آمده و سروده است: «به توفیق حقّ این مبارک مقام / به معماری کمترین شد تمام / محمدباقر / هزار و هشت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ ق، ج ۲: ۱۴۶). البته در کتیبه عربی ایوان عباسی صحن عتیق عبارت «شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی الحسینی» با تاریخ کتابت ۱۰۵۹ ق. آمده است؛ اما منظور از «شاه عباس الثانی» در این عبارت، «شاه عباس دوم صفوی» است نه «شاه عباس اول» یا «کبیر» (صحراگرد، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

از نظر تحلیل‌های قلمرو ایدئولوژیک نیز می‌توان گفت که این شعر دست‌کم دارای سه

مضمون ایدئولوژیک «سیادت طلبی»، «تشیع گرایی» و «سلطنت طلبی صوفیانه» است. در مصراع پنجم امام رضا (علیه السلام) «شاه» و مرقد مطهرشان «روضه شاه» خوانده شده است. در آثار ادبی زبان فارسی اصطلاح «شاه» در گستره معنایی چندگانه‌ای به کار رفته و مرحوم دهخدا در لغت‌نامه دهخدا فهرست پیرامنه‌ای از این معانی ارائه داده که برخی از آن‌ها از این قرار است: «پادشاه و ملک»، «مالک الرقاب... رئیس مذهب و نماینده اهوره مزدا در دوران هخامنشی»، «اصل و خداوند»، «هر چیزی که در آن بزرگی و خوبی به حسب صورت و معنی از امثال خود ممتاز باشد»، «لقب عام صوفیه و مرشدها» و «لقب عام که درویشان به مراد و مرشد و شیخ و پیر که ظاهراً نسب به سادات می‌رسانده‌اند، داده‌اند و بی‌شک مأخوذ از معنی سروری و برتری و ممتاز بودن از افراد جنس است» (دهخدا، مدخل شاه). کسروی نیز گفته است که شاه لقبی است که گویا بعد از شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بزرگان صوفی به خود می‌داده‌اند (کسروی، ۱۳۰۶: ۲۴). از طرف دیگر این اصطلاح ترجمه اصطلاحات عربی «السُّلطان» یا «أمیر» نیز است.

در تمامی متون مقدس شامل قرآن کریم، کتب ادعیه و مناجات و احادیث متقن اهل بیت (علیهم السلام) اصطلاح «السُّلطان» خاص خداوند متعال به کار رفته و هیچ قرینه‌ای برای کاربرد آن خطاب به امامان معصوم (علیهم السلام) یافت نشده است. در زیارت جامعه کبیره امام هادی (علیه السلام) که یک دوره کامل امام شناسی است نیز این اصطلاح خطاب به امامان معصوم (علیهم السلام) به کار نرفته است. در زیارت مخصوص پس از زیارت امام رضا (علیه السلام) عبارت «المطاع فی سلطانه» (بی‌نام، ۱۳۹۷: ۶۴) آمده و اصطلاح «سلطانه» خطاب به خداوند به کار رفته است. همچنین در کتاب عیون اخبار الرضا نیز امام رضا (علیه السلام) با عناوین «الرضا» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۳۷)، «أبو الحسن الرضا» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۳۷)، «یا أمیر المؤمنین» (همان: ۳۳۹) و «یا سیدی» (همان: ۳۶۵) خوانده شده و تا این دوران در هیچ یک از متون روایی معتبر اصطلاح «السُّلطان» و «أمیر» برای ایشان به کار نرفته است (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۳۸). بنابراین تاریخ دقیق الصاق اصطلاح «السُّلطان» و «أمیر» بر اول نام علی بن موسی الرضا معلوم نشد و «شاه» و «سلطان» خواندن امام رضا (علیه السلام) و توصیف مرقد مطهرشان را به «روضه شاه» به دوران صفوی و متأثر از «سلطان خوانی رهبران طریقت صفویه و حاکمان آن‌ها در

نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفّا و تعریض آن‌ها بر سلطان‌خوانی‌های حاکمان غزنوی و سلجوقی حواله کرده است.

در دوران غزنویان و سلجوقیان، ترکان غزنوی و سلجوقی به خاطر حکومت بر ایران و انتخاب شهرهای اقلیم چهارم^۱ یعنی؛ «غزنین» و «نیشابور» به عنوان مقرّ پادشاهی، حاکمان خود را «سلطان» یا «شاه» نامیدند. از این‌رو حاکمان سلجوقی و غزنوی در متون تاریخی، مراسلات سیاسی و منابع ادبی دوره خود با نام‌های «سلطان محمود» و «سلطان مسعود» و حاکمان سلجوقی «سلطان طغرل»، «سلطان سنجر» و «ملک‌شاه» نامیده شده‌اند؛ بنابراین حاکمان صفوی با پادشاهی بر اقلیم چهارم یا اقلیم خراسان در تعریض به خاندان سلجوقی و غزنوی، حضرت رضا (علیه السلام) را «شاه [حقیقی]» و مرقد ایشان را «روضه شاه» نامیده و به تلویح خودشان را به خاطر انتساب به سیادت حسینی و صاحب روضه شاه خراسان از آن حاکمان برتر دانسته‌اند؛ بنابراین طراحان ایدئولوژیک صفوی و سراینده این قطعه، با آگاهی از روند تطوّر معانی «شاه» و «سلطان» در دوره‌های تاریخی مختلف، در این دوران کاربرد اصطلاح «شاه» و «سلطان» را برای حضرت رضا (علیه السلام) در تکمیل «شاه» و «سلطان» خوانی‌های رهبران طریقت صفوی و حاکمان صفوی در نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفّا در معنای «سیاسی کلمه» و متناسب با «مقتضیات ایدئولوژیک دستگاه صفوی» به کار برده‌اند. از این‌رو با وجود هم‌خوانی مفهومی این اصطلاح با معانی مختلف موارد مذکور اما این اصطلاح در بافت‌های کاربردی صفوی در پیوند با ماجرای پذیرش ولی‌عهدی امام رضا (علیه السلام) در دربار مأمون عباسی و پیوند حاکمان صفوی با قدرت سیاسی از رهگذر سلطنت‌طلبی صوفیانه حاکمان صفوی به کار رفته است.

۱. مقدسی در أحسن‌التقسیم ضمن برشمردن و تشریح اقلیم‌های هفت‌گانه جهان، سرزمین‌های ایران را در اقلیم چهارم قرار داده و مهم‌ترین شهرهای آن را برشمرده است: «شهرهای بنام آن نصیبین، دارا، رقه، قنسرین، حلب، حران، سمیسط، مرزهای شام، موصل، سامرا، حلوان، شهرزور، ماسیدان، دینور، نهاوند، همدان، اصفهان، مراغه، زنجان، قزوین، طوس، بلخ و هر چه در دو سوی این‌ها باشد، است» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج: ۱، ۸۹). مقدسی «خاوران» را که از سه بخش «خراسان»، «سگستان» و «ماورالتهر» تشکیل شده، مهم‌ترین سرزمین ایران دانسته و به مرقد امام رضا (ع) اشاره کرده «قبر علیّ الزّضا در طوس است و دژی برای آن ساخته شده که خانه‌ها و بازارها دارد» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج: ۲، ۴۸۸) و مردم طوس در دو جهان پیش هستند؛ در دنیا از آن روی که پیش از دیگر مردم خراسان به اسلام گرویدند؛ در آخرت نیز از آن روی که خدا می‌گوید: یوم ندعوا کلّ اناس بامامهم (اسراء، ۷۱) علیّ (بن موسی) الزّضا یکی از فاضل‌ترین امامان بود که نزد ایشان است» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج: ۲، ۴۶۸).

به همین دلیل سراینده این شعر ابتدا با تعریض بر سلطان / شاهان غزنوی و سلجوقی، به خاطر سلطان / شاه خواندن خود از رهگذر حکمرانی بر بخش‌هایی از اقلیم چهارم زمین، غزنه و نیشابور، برتری حکمرانی امام رضا (علیه السلام) را بر اقلیم طوس و خراسان بر حاکمان غزنوی و سلجوقی ابراز کرده است. از این رو امام رضا (علیه السلام) را به عنوان «شاه حقیقی» این اقلیم معرفی کرده و با جعل خواندن سلطان / شاهی حاکمان غزنوی و سلجوقی، بر آن‌ها تعریض زده است. همچنین سراینده برتری حاکمان صفوی را به عنوان فرزندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بهره‌مند از تبار سیادت حسینی و سلسله عرفانی رضوی، با توجه به انتساب شیخ صفی‌الدین به معروف کرخی در نسخه‌های سلطنتی (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۲۰۳) و شهرت خرقة گرفتن معروف از حضرت رضا (علیه السلام) در منابع عرفانی، برتری سلطان / شاهی رهبران طریقت صفوی و حاکمان صفوی را بر سلطان / شاهان غزنوی و سلجوقی، به خاطر بهره‌مندی از سیادت حسینی و حمایت رضوی آن‌ها تأیید کرده است. در ادامه نیز برتری سلطان / شاهی امام رضا (علیه السلام)، رهبران طریقت صفوی و حاکمان صفوی بر رقیبان عثمانی و ازبکی سنی‌مذهب آن‌ها به خاطر این بهره‌مندی‌ها تأکید شده است.

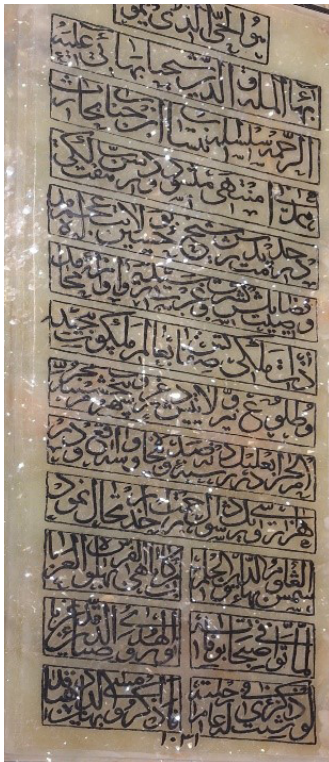
بنابراین «شاه» خواندن امام رضا (علیه السلام) و «روضة شاه» خواندن مرقد ایشان در این قطعه نیز در تکمیل «شاه» و «سلطان» خوانی رهبران طریقت صفوی و حاکمان صفوی در نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفاء، منشور تبلیغاتی صفوی انجام گرفته است. در خاتمة‌الکتاب این نسخه نام‌های رهبران طریقت از «شیخی» به «سلطان شیخی» یا «شاهی» و «سلطانی» یا «شیخ‌شاه» تغییر یافته و شیخ صفی‌الدین اردبیلی و استادش به ترتیب «سلطان شیخ صفی‌الدین» و «سلطان شیخ زاهد» (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۲۳۸) و رهبران طریقت «شیخ صدرالدین موسی»، «شیخ ابراهیم»، «خواجه علی سیاه‌پوش»، «شیخ جنید»، «شیخ حیدر» و حاکمان صفوی «شاه اسماعیل» و «شاه طهماسب» به ترتیب به «سلطان خواجه صدرالدین» (همان)، «سلطان خواجه شیخ‌شاه» (سلطان خواجه علی)، «سلطان جنید» (همان: ۱۲۳۹)، «سلطان حیدر» (همان: ۱۲۴۰)، «سلطان شاه اسماعیل» (همان: ۱۲۴۱) و «سلطان شاه طهماسب» (همان ۱۲۴۲) خوانده شده‌اند.

در این راستا شاه و سلطان خوانی امام رضا (علیه السلام) در کتیبه‌های شعری صفوی در حرم رضوی دلیل ایدئولوژیک دارد و آن مشروعیت بخشی و هویت بخشی به حاکمان صفوی است. همچنین در مصراع آخر نیز با کاربرد عبارات «کعبه خلق» و «سجده گاه ملک» مضامین دینی، معنوی و الهیاتی، جایگاه قدسی و معنوی حضرت رضا (علیه السلام) در نظر زمینیان و آسمانیان فاش شده است. هرچند در این مصراع به طور مستقیم بر مذهب تشیع دوازده امامی تأکید نشده است؛ اما تمامی توصیفات انجام شده در راستای این هدف و تبلیغ مذهب و هویت شیعه دوازده امامی با تمرکز بر شأن شناسی امام معصوم (علیه السلام) و مرقد منور ایشان، برای تحکیم و تثبیت امام شناسی یا رکن امامت در اصول دین پنج گانه شیعی انجام گرفته است.

۲-۴. کتیبه منشور فارسی سنگ قبر مطهر شیخ بهایی

«هو الحیّ الذی لا یموت بهاء الملة و الدین شیخنا بهائی، علیه الرحمه، سلسله انتساب این جناب به حارث همدانی منتهی می شود و در سنّ هفت سالگی در خدمت پدرش، شیخ حسین، به ولایت عجم آمده و صیت فضائلش شرق و غرب را رسید و آوازه محامد ذات ملکی صفاتش به عالم ملکوت پیچید و طلوع نیّر ولادتش در غروب پنج شنبه شهر محرم الحرام در بعلبک در سنه نهصد و پنجاه و سه واقع شد و در هزار و سی و یک در شوال به رحمت خدا ارتحال نمود...» (اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ ق، ج ۲: ۱۵۹).

این کتیبه که با اشاره به فناپذیری انسان و جاودانگی حیّ سبحان آغاز شده، در قلمرو گونه شناسی زندگی نامه و در قالب نثر نوشته شده است. میزان کاربرد واژگان عربی به فارسی تقریباً دو برابر است و این



عربی‌گرایی در خدمت صنعت ادبی سجع‌پردازی به کار نرفته که این حالت تأثیرگرفته از متون منشور صفوی به‌ویژه منابع تاریخی و تذکره‌ای است.

در این کتیبه که در زمره کتیبه‌های تاریخی، ستایشی و توصیفی قرار دارد نیز عباراتی آمده که کیفیت مواجهه دولت صفوی با امام رضا (علیه السلام) و تشیع اثناعشری ایشان شناسایی می‌گردد. در بخش قلمرو تاریخی مباحثی چون تاریخ ولادت و وفات شیخ بهایی که عبارت است از ۹۲۵ق. و ۱۰۳۱ق. و محل زندگی ایشان، بعلبک اشاره شده که کاملاً با منابع تاریخ صفوی همگام است. از نظر جایگاه معنوی و علمی و جنبه‌های مدح و ستایش نیز با کاربرد اصطلاحات عرفانی و دینی و توصیفات ستایش‌آمیز «بهاء‌الملّه و الدّین»، «شیخنا»، بر جایگاه رفیع ایشان در علوم دینی و عرفانی تأکید شده است. در ادامه با انتساب ایشان به «حارث همدانی»، از اصحاب امام علی (علیه السلام) نسبت دینی و وضعیتی نسبی ایشان با امام معصوم (علیه السلام) و مذهب تشیع دوازده امامی بر جسته شده است.

از نظر تحلیل‌های قلمرو ایدئولوژیک نیز می‌توان گفت انتساب شیخ بهایی به حارث همدانی با هدف تأکید و تبلیغ هویت شیعی صفویان صورت گرفته است. شیخ بهایی که از عالمان برجسته و نظریه‌پرداز دینی و عرفانی صوفیان شیعی صفوی است، نقش برجسته‌ای در گفتمان صفوی داشته است؛ از این‌رو لازم بود در سنگ قبر مطهر ایشان نیز جنبه‌های تمایزبخش افشا و برجسته شود.

از دیگر ویژگی‌های قلمرو ایدئولوژیک این کتیبه تأکید بر نقش ایران یا به اصطلاح عجم/عجمان در گسترش و اشاعه تشیع یا جایگاه فرهنگی ایران در پذیرش و گسترش اسلام شیعی است. ایرانیان با پذیرش اسلام و اشاعه و گسترش بیش از پیش آن و پرورش عالمان دینی نقش ویژه‌ای در بین مسلمانان جهان داشتند. از این‌رو اشاره کردن به مهاجرت شیخ بهایی به ایران یا سرزمین عجمان در این کتیبه، بیانگر جایگاه ایران در تمدن اسلامی شیعیان و جایگاه علمی و معنوی شیخ بهایی در این عرصه است. از دیگر سو در این کتیبه، بر جایگاه ویژه علمی و معنوی ایشان در بین عرب و عجم نیز تأکید شده و با آوردن عبارات «صیت فضائلش شرق و غرب را رسید»، بر شخصیت فراملّی، فرافرهنگی، انسجام‌بخش و اتحادطلب عرب و عجم و شرق و غرب اشاره دارد.

از طرف دیگر کاربرد اصطلاح «شیخ» در اوّل نام ایشان علاوه بر تأکید بر جنبه‌های دینی و مذهبی، بر رویکردهای عرفانی شیخ بهایی نیز تأکید دارد؛ چراکه در سنت مرسوم قرن‌های اولیه عرفان تا دوران صفوی این اصطلاح را برای عارفان نیز به کار برده‌اند و عارفانی چون شیخ ابوسعید ابوالخیر، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شیخ نجم‌الدین کبری، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جدّ صفویان، را با لقب شیخ به کار برده‌اند (کسروی، ۱۳۰۶) تا جایی که در نسخه‌های سلطنتی صفوة/الصفّا شیخ صفی‌الدین اردبیلی را «سید شیخ» خوانده‌اند (طباطبایی مجد، ۱۳۷۱: ۱۲۴۱).

۲-۲-۵. کتیبه منظوم پیشانی سردر درب ورودی ایوان نقاره‌خانه

در زمان شهنشاه دوران	آن نسب بوترا ب دین پرور
خسرو برّ و بحر ^۱ شاه صفی	سایه لطف ایزد داور
دری از بهر صحن کرد تمام	بنده نیک خواه آن سرور
کلب آل علی خلف که بود	حلقه در گوش درگهش قیصر
وه! چه در؟! کز پی ضیا هر صبح	بوسدش آستان شه خاور
وه! چه در؟! کز سر شرف جبریل	کرده جاروب گردش از شهر
چون ز دولت سرای شاه رضا	یافت این باب زینت دیگر
خواند معمار کائنات او را	قبله گاه دعای اهل نظر
چون پی چشم زخم او گردون	اختر آورد و ریخت در مجمر
بانگ تحسین ز آسمان برخاست	که مریزاد دست صنعت گر
دهر گفت این نشان دولت را	کس مبیناد بسته تا محشر
هاتفی گفت سال تاریخش:	بهر فردوس ره بجوزین در

(اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ق، ج ۲: ۱۳۳).

۱. اعتماد السلطنه این عبارت را به صورت «خسرو» آورده (اعتماد السلطنه، ۱۳۰۱ق، ج ۲: ۱۳۳) و مؤتمن در کتاب راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی عبارت «خسرو دین پناه» را ضبط کرده و صحراگرد در شاهکارهای هنری آستان قدس رضوی: کتیبه‌های صحن انقلاب/عتیق عبارت «خسرو برّ و بحر» را ضبط کرده است (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۱۸۳). نگارنده به خاطر پیمایش اخیر صحراگرد در تحلیل‌ها ضبط صحراگرد را ترجیح داده است.



از نظر قلمرو گونه‌شناسی این شعر در قالب قطعه سروده شده و از نظر قلمرو عروضی نیز بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعْلن» با اسم عروضی «رَمَل مُسَدَّس محذوف» سروده شده که دکتر شمیسا این وزن عروضی را در فهرست اوزان عروض و قافیه خود فهرست نکرده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۸).

در این قطعه صفوی که به صورت کامل بر هلال سردر درب چوبی ایوان نقاره‌خانه صحن عتیق نصب شده، مفاهیمی آمده که با تحلیل‌های قلمروهای تاریخی و ایدئولوژیکی این دوران تناسب دارد. از نظر تحلیل‌های قلمرو تاریخی باید گفت که این شعر با هدف حجاری شدن بر سردر حرم رضوی در دوران شاه صفی، ششمین پادشاه صفوی، سروده شده است. از این‌رو این قطعه با پسندهای ایدئولوژیک دستگاه صفوی در این دوران متناسب و همگام درآمده و تاریخ سال ساخت و نصب درب را با مدح پادشاه زمان، شاه صفی و مدح صاحب این روضه منوره و آستانه مقدسه در هم آمیخته که به پیوند دین و دولت در دستگاه صفوی انجامیده است.

در این قطعه ابتدا شاه صفی ممدوح، مطابق با پسندهای ایدئولوژیک دستگاه صفوی «نسب بوترا بدین‌پرور»، «خسرو برّ و بحر»، «سایه لطف ایزد داور»، «کلب آل علی»، «خلف حاکمان صفوی» خوانده شده و «برتردانی شاه صفی بر قیصر»، یکی از شخصیت‌های شاهنامه فردوسی و یکی از پادشاهان روم، تأکید شده و به ترتیب «نسب‌خواهی و سیادت‌طلبی»، «دین‌پروری و تشیع‌گرایی»، «حکومت‌خواهی و سلطنت‌طلبی صوفیانه»

و «عرفان طلبی و منجی گرایی» وی تبلیغ شده است. از این رو به دلیل تشریح موارد اول و دوم در ابیات بالایی و احتمال بروز ابهام در موارد سوم و چهارم یعنی «حکومت خواهی یا سلطنت طلبی صوفیانه» و «عرفان طلبی و منجی گرایی» با بیت «خسرو برّ و بحر شاه صفی / سایه لطف ایزد داور»، باید گفت که صفویان با تمسک به آیه شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) و عبارت «السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ» و افزودن عبارت «ظِلُّ اللَّهِ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ خَلِيفُهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِ اللَّهِ الْمَنْظُورُ بِأَنْظَارِ اللَّهِ الْمُؤَيَّدُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْمُقْوَى لِنَصِّ إِيْمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ» در مقدمه کتاب نسخه های سلطنتی صفوة/الصفّا (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۱۹۹) حکومت شاه طهماسب صفوی را دنباله حکومت امامان معصوم (علیه السلام) و مصداق آیه «نَمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (مائده، ۵۵) دانسته است. در نتیجه، ضرورت حکومت حاکمان صفوی را در عصر غیبت به واسطه انتساب به تبار سیادت حسینی و انتشار تبار امامت از نسل و ذریه امام حسین (علیه السلام) به عنوان جانشین شایسته امام در عصر غیبت توجیه کرده اند (سیوری، ۱۳۷۱: شریعتی). همچنین این محتوا را در خاتمه کتاب منشور تبلیغاتی خودشان که همان نسخه های سلطنتی صفوة/الصفّای ابن بزّاز اردبیلی نیز وارد کرده اند^۱ (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۲۳۸ - ۱۲۴۲).

سراینده پس از این مقدمات، به مدح حضرت رضا (علیه السلام) رسیده و ایشان را با عبارات «بوسدش آستان شه خاور»، «کز سر شرف جبریل / کرده جاروب گردش از شهر»، «دولت سرای شاه رضا»، «قبله گاه دعای اهل نظر» خوانده است. در این عبارات سراینده ابتدا با اظهار آستان بوسی خورشید یا پادشاه خاور و جارو کشی و حلقه به گوشی جبرئیل در برابر ایشان، والایی و ماورایی بودن امام رضا (علیه السلام) را تصویرسازی و در ادامه با کاربرد اصطلاح «دولت سرا» به دولت داری و مکنّت ایشان و دولت خواهی و بیعت ایشان با مأمون خلیفه و پذیرش منصب ولایت عهدی مأمون اشاره کرده است. از این رو دولت داری و دولت خواهی شاه صفی و حاکمان صفوی را در جنب دولت داری و دولت خواهی امام رضا (علیه السلام) توجیه کرده و حاکمان صفوی را که از نسل و ذریه امام حسین (علیه السلام) هستند، دنباله روی

۱. برای اطلاع بیشتر درباره کیفیت تطوّر عناصر گفتمان ساز صفوی، لازم است به کتاب صفوة/الصفّای ابن بزّاز اردبیلی تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد مراجعه کنید.

ایشان دانسته و اقداماتشان را در طریق حاکمیت توجیه کرده است.

در ادامه به تعریف و تمجید «معمار کائنات»، حضرت باری تعالی، از حضرت رضا (علیه السلام) پرداخته و ایشان را «قبله گاه دعای اهل نظر» خوانده و با پیوند این مضمون با تحسین و تمجید خود از هنرمندی و تمدن گرایی صفویان، برای حضرت رضا (علیه السلام)، حاکمان متمدن و هنرمند صفوی و هنرمندان و صنعتگران صفوی طلب خیر کرده و از آسمان برای حراست و پاسداشت این سه میراث ارزنده در برابر چشم زخم حاسدان و کینه توزان مدد گرفته و سروده است: «چون پی چشم زخم او گریان / اختر آورد و ریخت در مجمر».

در ادامه نیز با آوردن بیت «دهر گفت این نشان دولت را / کس مبیناد بسته تا محشر» با سخن گفتن از زبان روزگار و زمانه، استمرار دولت داری امام رضا (علیه السلام) و دولت داری و دولت خواهی حاکمان هنرمند و صنعتگر صفوی را تا صف محشر گشاده و فیاض درخواست می کند. در بیت پایانی نیز هاتفی به گوشش این ندا را زمزمه می کند که اگر بهشت را می خواهی، به این درب یعنی مرقد منور حضرت رضا (علیه السلام) و آستان بوسی ایشان و تمسک به حاکمان صفوی و خاندان سیادت پناه ببر و در همین درب و همین آستان، بهشت نسیه را برای خود نقد گردان؛ بنابراین باید گفت که این قطعه در زمره اولین و کامل ترین شعر فارسی حرم رضوی است که بیشتر ارکان ایدئولوژیک حاکمان صفوی را بازتاب می دهد. البته پیش از این در کتیبه های عربی حرم رضوی که مربوط به دوران شاه طهماسب و شاه عباس صفوی بود، این وضعیّت آشکار شده بود.

۲-۶. کتیبه منظوم بالای در طلای ورودی رواق دارالسیاده به رواق دارالحفاظ

سلیمان زمان چشم و چراغ دوده شاهان	که کمتر چاکر درگاه او فغفور و خاقان شد
بنا تا کرد قصر دولتش از صنع یزدانی	بنای ظلم در روی زمین یکباره ویران شد
شهنشاهی که گرگ از لرزه بیم شبان دایم	به دور عدل او در پوستین برّه پنهان شد
کجاشیر زیان دارد به عهدش دست بر صیدی	بن ناخن به خون آغشته اش از زخم دندان شد
به فرق شاه گر تاج شاهی نازد روا باشد	که خاک درگهش زینت ده دیهیم شاهان شد
بحمدالله عطا فرمود ایزد این سلیمان را	هر آن چیزی که فخر خسروان و تاج داران شد

تزلزل چون به این علی بنا افتاد از لرزش
به تجدید بنایش داد فرمان شاه دین پرور
چونسیان کف جودش نمود آغاز در پایش
به اندک مدّتی از معجز اقبال سلطانی
چراغ دولت شه باد روشن تا ابد یا ربّ
خرد گفت از زبان قدسیان تاریخ تعمیرش
به هر سو رخنه‌ها چون چاک در دل‌ها نمایان شد
کف گنجور همّت از پی اش سیم و زرافشان شد
کف سائل صدف سان پر ز گوهرهای الوان شد
بنایی شد که تا چشم ملائک روشن از آن شد
چنان کز مهر این گنبد فروزان شمع الوان شد
مطاف جنّ و انس آباد در عهد سلیمان شد
(اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱ ق، ج ۲: ۹۶-۹۷).



از نظر قلمرو گونه‌شناسی این شعر در قالب قطعه سروده شده و از نظر قلمرو عروضی نیز این قطعه بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» یا اسم عروضی «هَزَج مَثْمَن سالم» سروده شده است. دکتر شمیسا این وزن را در شماره نوزدهم «فهرست اوزان رایج» زبان فارسی فهرست کرده است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۴).

در این قطعه مدحی که در مدح شاه سلیمان صفوی یا صفی دوم با مطلع «سلیمان زمان چشم و چراغ دوده شاهان» سروده شده و بر سردر ورودی درب طلای رواق دارالسیاده به رواق دارالحفاظ نصب شده است (پیمایش، تیرماه ۱۴۰۴)، مفاهیمی آمده که با تحلیل‌های تاریخی و ایدئولوژیکی صفوی همگام است. از نظر تحلیل‌های قلمرو تاریخی باید گفت که این قطعه دست‌کم به سه موضوع تاریخی مهمّ شامل: «جلوس شاه سلیمان صفوی بر تخت پادشاهی بین سال‌های ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ ق»، «وقوع زلزله

در مشهد و آسیب دیدن گنبد منور و حرم مطهر در سال ۱۰۸۴ق» و «اقدام کردن شاه سلیمان برای ترمیم نقاط آسیب دیده حرم در سال ۱۰۸۶ق» اشاره دارد.

هرچند مضامین پراکنده در این قطعه با ایدئولوژی تبلیغی دستگاه صفوی سازگار است؛ اما از کمرنگ شدن برخی از ارکان قلمرو ایدئولوژیک آن‌ها مانند «سیادت طلبی» و «عرفان‌گرایی» در دوران شاه سلیمان خبر می‌دهد؛ چراکه شاه سلیمان هشتمین حاکم صفوی است و حاکمان پیشین بیش از اندازه بر سیادت طلبی‌شان تأکید داشته‌اند و آن را به دال مرکزی گفتمان خود تبدیل کرده بودند؛ تا جایی که تمامی منابع صفوی سیادت ایشان را پذیرفته بودند و در منابع‌شان آن‌ها را با پسوندهای «الحسینی الموسوی الصفوی» یاد می‌کردند (خواندمیر، ۱۳۵۳/۴؛ قزوینی، ۱۳۶۷). همچنین منابع ضد صفوی و معاند نیز بر این دو مسئله اشراف داشته‌اند؛ تاجایی که عبیدالله ازبک، دشمن سرسخت و متهاجم صفوی نیز با اطلاع از این دو مسئله و تشکیک در سیادت و تشیع خاندان صفوی، در نامه‌ای خطاب به شاه طهماسب صفوی، کیفیت سیادت و تشیع حاکمان صفوی با جدشان، شیخ صفی‌الدین را جویا شده است (شاه طهماسب). از این‌رو نیازی بر تأکید هرباره و چندباره این رکن در هر شعر و نثری احساس نشده است. از طرف دیگر روح عرفان‌گرایی نیز در این قطعه شعری وجود ندارد و هیچ اصطلاح عرفانی یا محتوای عرفانی‌ای تبلیغ یا برداشت نمی‌شود. این امر کمرنگ شدن ارکان ایدئولوژی صفوی و آغاز تشویش و فروپاشی صفویان را نشان می‌دهد (آزند).

از طرف دیگر تشیع‌گرایی به‌عنوان رکن گسست‌ناپذیر این دوران دنبال شده و شیعه‌گرایی شاه سلیمان تبلیغ شده و دولت سلیمانی در پناه و امان صنع یزدانی توصیف شده است. در مصراع اول با عبارات «سلیمان زمان»، «چشم و چراغ دوده شاهان» مدح شاه سلیمان شروع شده و با بهره‌گیری از اشتراک لفظی سلیمان صفوی با حضرت سلیمان (علیه السلام) و شهرت اقتدار این حضرت در قرآن کریم و متون دینی، در مصراع دوم پادشاهان مغفور و خاقان کمتر چاکر او دانسته شده‌اند. در بیت‌های چهارم و پنجم نیز به ترتیب شاه سلیمان «زینت‌ده دیهیم شاهان» و «فخر خسروان و تاج‌داران» خوانده شده و در مصراع سوم بنای دولتش به صنع یزدانی حواله شده است. در این بیت شاه سلیمان

نه به عنوان حاکمی از تبار حاکمان پیشین؛ بلکه حاکم انتخابی مورد تأیید خداوندی و بهره‌مند از عنایت الهی معرفی شده و بر «حکومت‌طلبی» حاکمان صفوی تأکید می‌کند. در مصراع چهارم و بیت‌های سوم و چهارم نیز بر اصل «عدل» که از اصول پنج‌گانه دینی تشیع دوازده‌امامی است و نقش آن در پایداری حکومت تأکید شده و عدالت‌محوری و عدالت‌پیشگی وی ستوده شده است. از این‌رو در حکومت وی ظلم راهی ندارد و گرگ نیز به پوستین بره پناه برده است.

در بیت هفتم به حادثه تاریخی وقوع زلزله مهیب در شهر مشهد مقدس و آسیب دیدن بخش‌های حرم اشاره شده و این خرابی‌ها به «چاک [افتادن] در دل‌ها» تشبیه شده است. در بیت هشتم با تمرکز دوباره بر رکن تشیع‌گرایی، شاه سلیمان «شاه دین‌پرور» خوانده شده و دستور وی برای بازسازی و مرمت این بنای متبرک از «گنجور همّت» و «افشاندن سیم و زر» از خزانه وی تصویر شده است. سراینده با کاربرد اصطلاح «همّت» پیگیری و جدیت وی را برای ترمیم به موقع آسیب‌ها تصویر کرده و با آوردن عبارات «گنجور همّت» و «سیم و زرافشان» بی‌پروایی، بخشنده‌گی و بلندهمتی وی را برای پرداخت هزینه‌های تعمیر آسیب‌های وارده از خزانه شاهی توصیف کرده است. در بیت نهم نیز به اتمام تعمیرات و «روشن شدن چشم ملائک» اشاره کرده و در بیت دهم نیز از خداوند منان استمرار حکومت شاه سلیمان را در پناه «گنبد فروزان» درخواست می‌کند؛ چراکه از مهر این گنبد است که شمع الوان فروزان می‌گردد. در بیت پایانی نیز که بیت ماده تاریخ است با حواله این بیت به «زبان قدسیان»، این بنای شکوهمند و با عظمت را «مطاف جنّ و انس» دانسته و گفته است: «خرد گفت از زبان قدسیان تاریخ تعمیرش / مطاف جنّ و انس آباد در عهد سلیمان شد».

۲-۷. کتیبه منشور عربی فارسی سردر ایوان ساعت صحن عتیق

«أمر بتجديد هذا الباب المبارك العباسي السلطان الأعظم والخاقان الأكرم مالک الرقاب مولی ملوک العرب و العجم السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی بهادر خان، خلد الله ملكه، به سعی

ذره خاکسار علی قباد بهادرخان بیگ ایشیک آقاسی باشی حرم به [امر] علیه عالییه به [تمام] رسید» (صحراگرد، ۱۳۹۵: ۱۵۷).



۲-۸. کتیبه‌های منشور فارسی پایه‌های ایوان نقاره‌خانه صحن عتیق

در طرف راست ایوان عبارت «به سعی ذره خاکسار علی قبادبیگ چوله ایشیک آقاسی» و در طرف چپ ایوان عبارت «باشی حرم به امر علیه عالییه به [تمام] رسید فی ألف و ستین» (صحراگرد، ۱۳۹۵: ۱۸۳).



۲-۹. کتیبه‌های منظوم فارسی پایین ترنج دوم ساقه گنبد مطهر

«که باشد زرگر این قبه خضرای نورانی محمدباقر اب^۱ حاجی زمان استاد جیلانی»
«کرده تقدیر بر این صفحه رقم عمل قاسم فزاش حرم»
(صحراگرد، ۱۳۹۵: ۹۷)

۱. در رقم کتیبه این واژه به صورت «اب» آمده است. بنا بر توضیحات صحراگرد «معنای «اب» در این مصرع روشن نیست؛ ولی به گمان فراوان باید خلاصه «ابن» باشد که برای حفظ وزن شعر «ن» آن را حذف کرده‌اند. اگر چنین باشد، نام او محمدباقر ابن حاجی زمان جیلانی است» (صحراگرد، ۱۳۹۵: ۹۸).



از نظر گونه‌شناسی دو کتیبه اول در قالب کتیبه‌های تذکاری و ترقیمی قرار دارد و کتیبه سوم نیز در قالب «تکبیت تذکاری / ترقیمی» قرار دارد. از نظر قلمرو عروضی باید گفت که شعر اول بر وزن عروضی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» یا اسم عروضی «هَزَج مَثْمَن سالم» سروده شده است. دکتر شمیسا این وزن را در شماره نوزدهم «فهرست اوزان رایج» زبان فارسی فهرست کرده است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۴). شعر دوم نیز بر وزن «فاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَعْلُن» و اسم عروضی «رَمَل مسدّس مخبون محذوف» است که دکتر شمیسا این وزن را در «فهرست اوزان رایج» نیاورده است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۲).

در سه کتیبه ترقیمی منشور فارسی و عربی این دوره نیز رگه‌هایی از تلفیق محتوای قلمروهای تاریخی و ایدئولوژیکی دوران صفوی وجود دارد که از شاخص‌ترین آن‌ها «سیادت‌طلبی در پناه پیوند عنصر ایرانیّت با تبار سیادت امامیه»، «تشیّع‌گرایی در پناه عشق و ارادت خالصانه به حضرت رضا (علیه السلام)» و «سلطنت‌طلبی صوفیانه در پناه تلفیق دین و دولت و عرفان» است. از نظر سال‌شمار تاریخی کتیبه ترقیمی فارسی و عربی ایوان ساعت صحن عتیق و کتیبه فارسی پایه‌های ایوان نقاره‌خانه به تعمیر حرم مطهر در دوران شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۰ ق. پرداخته و کتیبه فارسی و عربی ساقه گنبد مطهر نیز به حادثه تاریخی بازسازی گنبد منور پس از آسیب آن در زلزله مهیب مشهد در سال ۱۰۸۴ ق. و تعمیر آن در سال ۱۰۸۶ ق. پرداخته است. همچنین کاربرد عناوین «حرم علیه‌عالیه» در سردر فارسی ایوان ساعت صحن عتیق و پایه‌های ایوان نقاره‌خانه و عبارت «البلدة الطیبة

الکریمة» در کتیبه عربی ساقه گنبد رضوی، بیانگر تشیع‌گرایی حاکمان صفوی و عشق و ارادت خالصانه آن‌هاست.

از نظر قلمرو ایدئولوژیک نیز انتساب نام حاکمان صفوی به سیادت حسینی و کاربرد عبارات «شاه عباس الصفوی الحسینی» سیادت‌طلبی صفویان در پناه عنصر ایرانیت و تبار سیادت امامیه را نشان می‌دهد و کاربرد عبارات «مروج مذاهب اجداده الائمه المعصومین» و «أعدل» خواندن آن‌ها در کتیبه عربی ساقه گنبد مطهر، تشیع‌گرایی در پناه پیوند وثیق خاندان صفوی با تشیع و اصول اعتقادی آن‌ها مانند «توحید»، «عدل» و «امامت» را گوشزد می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

به طور کلی محتوای تبلیغی ایبات و عبارات فارسی نصب شده در حرم رضوی از دوره صفوی به‌خوبی بیانگر مضامین تاریخی و ایدئولوژیک این عصر است. در بخش قلمرو تاریخی وضعیت تاریخی کتیبه‌ها با استفاده از محتوای تبلیغی انتشاری‌شان تشریح شده است. در بخش قلمرو ایدئولوژیک نیز کیفیت مواجهه حاکمان مختلف صفوی با ارکان ایدئولوژیک تبلیغی تنظیم شده در نسخه‌های سلطنتی منشور سیاسی صفویان، کتاب صفوة‌الصفای ابن بزاز اردبیلی، شناسایی شده و کیفیت بازنشر این ارکان ایدئولوژیک با بیان‌های متنوع و متعدد در قالب‌های مختلف نظم و نثر و نحوه پیوند این ارکان با مباحث تاریخی دوره‌های مختلف در کتیبه‌های منظوم و منشور حرم مطهر رضوی تشریح شده است. ارکان اندیشگانی صفوی عبارت است از «سیادت‌طلبی»، «تشیع‌گرایی»، «سلطنت‌طلبی صوفیانه»، «ایران‌گرایی» و «اخلاق‌گرایی» است.

در کتیبه اول ارکان ایدئولوژیک «تشیع‌گرایی» و «سیادت‌طلبی»، در کتیبه دوم «تشیع‌گرایی»، «عرفان‌طلبی» و «اخلاق‌گرایی»، در کتیبه سوم «سیادت‌طلبی»، «تشیع‌گرایی» و «سلطنت‌طلبی صوفیانه»، در کتیبه چهارم «تشیع‌گرایی» و «ایران‌گرایی»، در کتیبه پنجم «سیادت‌طلبی»، «تشیع‌گرایی»، «سلطنت‌طلبی صوفیانه» و «عرفان‌طلبی»، در کتیبه ششم «تشیع‌گرایی» و «سلطنت‌طلبی صوفیانه»، در کتیبه هفتم، هشتم و نهم

نیز «تشیع گرایی»، «سیادت طلبی»، «سلطنت طلبی صوفیانه» و «ایران گرایی» تبلیغ شده است.

بنابراین در کتیبه‌های منظوم و منشور حرم رضوی «تشیع گرایی» پرتکرارترین رکن ایدئولوژیک صفوی و عنصر ثابت تمامی دوره‌های تاریخی صفوی است. «سیادت طلبی» و «سلطنت طلبی صوفیانه» دومین رکن ایدئولوژیک پرتکرار صفوی و «عرفان گرایی»، «ایران گرایی» و «اخلاق گرایی» سومین رکن ایدئولوژیک این دوران است. در این راستا محتوای تبلیغی ابیات و عبارات فارسی کتیبه‌های رضوی در این عصر کاملاً در خدمت گستره دامنه تبلیغی انتشاری ارکان ایدئولوژیک گفتمان صفوی استفاده شده‌اند. از این رو کتیبه‌های منظوم و منشور فارسی این دوره مانند معجونی است که به فراخور خود از «سیادت حاکمانه»، «سیاست صوفیانه»، «ایرانیت حاکمانه»، «تشیع دوازده امامی»، «اخلاق اسلامی» و «عرفان اسلامی» مزه‌ای را با خود به همراه دارد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. [نسخه نرم افزاری]. قم: مؤسسه نور.
- کتاب ادعیه و زیارت. (۱۳۹۷). چاپ چهلیم. ویرایش دوم. مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن یزّاز اردبیلی، درویش توگلی. (۱۳۷۳). *صفوة الصفّا*: در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی الدّین. مقدّمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۰۱ق). *مطلع الشّمس (تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدّس در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان)*. جلد دوم. نسخه چاپ سنگی.
- ایزنلو، رمضان علی و همکاران. (۱۳۹۵). *اطلس حرم مطهر رضوی*. مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۱). *درآمدی بر ایدئولوژی*. ترجمه اکبر معصوم بیگی. تهران: آگه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. جلد اول. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- خواندمیر، غیاث الدّین بن همام الدّین. (۱۳۵۳). *تاریخ حبیب السّیر فی أخبار افراد بشر*. مقدّمه جلال الدّین همایی. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. جلد چهارم. چاپ دوم. تهران: کتابخانه خّیّام.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۱). *لغتنامه فارسی*. به کوشش محمد دبیرسیاقی و دیگران. تهران: دانشگاه تهران.
- رویمر، هانس روبرت. (بی تا). *تاریخ ایران (دوره صفویان) یا تاریخ کمبریج*. جلد ششم. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). *أحسن التّواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- سومر، فاروق. (۱۳۷۱). *نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی*. ترجمه دکتر احسان اشراقی و دکتر محمدتقی امامی. تهران: نشر گستره.
- سیوری، راجر سروین. (۱۳۸۹). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ نوزدهم. تهران: سحر.
- شریعتی، علی. (بی تا). *تشبّع علوی و تشبّع صفوی*. تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار علی شریعتی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *عروض و قافیه*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صادقی حسن آبادی، علی. (۱۴۰۳). «بررسی سیر تطوّر نسخه‌های طریقتی و سلطنتی صفوة الصّفا و مخاطب‌شناسی آن» *رساله دکتری*. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- صحراگرد، مهدی. (۱۳۹۱). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های مسجد گوهرشاد*. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- _____. (۱۳۹۵). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های صحن عتیق*. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- _____. (۱۳۹۶). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های صحن آزادی (جدید)*. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- الصّفوی، طهماسب بن اسماعیل. (بی تا). *تذکره شاه طهماسب: در شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب*

صفوی به قلم خودش. تهران: کاویانی.

- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۵). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. چاپ سوم. تهران: سخن.
- فتوحی رودمعجنی، محمود؛ صادقی حسن آبادی، علی؛ میریاقری فرد، سید علی اصغر. (۱۴۰۰). «بررسی فرایند نسب‌سازی شیخ صفی‌الدین اردبیلی از نسخه ابن بزاز تا دستکاری‌های طریقتی و سلطنتی و بازتاب آن در منابع صفوی». [مقاله مستخرج از رساله دکتری]. *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*. بهار و تابستان. سال پانزدهم. شماره اول. پیاپی چهل و شش. صص: ۳۹-۶۴.
- کاویانیان، احتشام. (۱۳۵۴). *شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس*. بی‌جا.
- کسروی، سید احمد. (۱۳۰۶). *شیخ صفی و تبارش: دروغ بودن سیادت صفویان*. تهران: پایدار.
- مقدسی، أبو عبد الله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. جلد اول و دوم. ترجمه دکتر علی نقی منزوی. چاپ اول. تهران: کاویان.
- مؤتمن، علی. (۱۳۴۸). *راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی*. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- نمایی، احمد و همکاران. (۱۳۹۳). *دایرة‌المعارف آستان قدس رضوی*. جلد اول و دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۶). «میزان تغییر و تبدیل صفوة‌الصفا». *مجله گلچرخ: ویژه بزرگداشت استاد مهدی محقق*. شماره ۱۷. صص ۳۲-۳۵.

Reflections of the Ideological Pillars of Safavid Discourse in Nine Prominent Persian Inscriptions at the Holy Razavi Shrine

Ali Sadeghi Hassanabadi ¹ Abolfazl Hassanabadi ²

Received: May 26 , 2026

Revised: July 07 , 2026

Accepted: July 08 , 2026

Abstract

The holy shrine of Imam Reza (AS), with a history of twelve hundred years, is a unique treasure that, apart from its religious and spiritual aspects, also has special scientific, historical, literary, and artistic aspects. This collection, which was developed in different historical periods and decorated with diverse and numerous artistic and linguistic inscriptions, contains valuable information that will amaze any researcher. This study, which is part of a larger research project titled "Collection, Classification, and Content Analysis of Persian Inscriptions of the Holy Shrine of Imam Reza (AS)", focuses on nine prominent Safavid Persian poetic and prose inscriptions in the Razavi Shrine. The information obtained shows the quality of the Safavid rulers' encounter with Persian verses and phrases used in the Holy Shrine and the quality of the influence of these verses and phrases on the ideological ideas reflected in the Safavid propaganda manifesto or the royal copies of Ibn Bazzaz Ardabili's book *Safwat al-Saffa*. In this research, first, through field observations, environmental surveys, and library resources, Safavid Persian inscriptions were identified, and 9 significant inscriptions of this period were selected based on the date of inscription or historical material, and their "historical" and "ideological" content were analyzed. Therefore, the analyses conducted reveal the extent to which the Safavid inscriptions of the Razavi Shrine were influenced by the ideological pillars of the Safavid propaganda in the royal versions of the book *Safwat al-Saffa*, including: "sovereignty-seeking", "Shiism-seeking", "Sufi kingship-seeking", "Iranism", and "moralism". The Persian inscriptions of the Razavi Shrine clearly show the quality of the reproduction of these pillars until the Safi period, their decline

1. PhD Graduate in Persian Language and Literature, Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: Ainsad3537@gmail.com

2. PhD in Local History; Head of the Center for the Translation of Islamic Teachings, Islamic Research Foundation, Astan Quds Razavi Organization, Mashhad, Iran: ahassanabadi1@yahoo.com

during the reign of Shah Suleiman, and the preparation of the groundwork for the collapse of the Safavids during the reign of Shah Sultan Hussein.

Keywords

Razavi Shrine, Safavid period, Persian inscriptions, royal manuscript of Safwat al-Saffa, ideological pillars of Safavid discourse.